



فوتبال علیه دشمن

احتمالا این عنوان را می شناسید. بیشتر از آن که موضوعات نه چندان فوتبالی کتاب مدنظر باشد، ترجمه اجتماعی عادل، نام شاهکار سایمون کوپر را شهره عام و خاص کرده است؛ هر چند هنوز هم بر سر ماجرای کپی رایت این اثر بحث پابرجاست. ۳۱ مرداد ماه، سرخپوشان به مصاف الاهلی عربستان خواهند رفت. دیداری که در آن پرسپولیس اسما میزبان است و بعید نیست که در صورت صعود و بالا رفتن، حتی تافینال، دیگر طعم خوش میزبانی در کنار صد هزار هوادار را نچشد. قرمزها در آخرین روز مرداد باید به در عمان پذیرای میزبان عربستانی خود باشند. پرسپولیس یکبار به دلیل تخلف تماشاگرانش از سوی AFC جریمه شد و در ورزشگاه خالی از تیم میهمان پذیرایی کرد، اما این بار باید در خاک عمان این کار را انجام دهند و حالا اهمیت این مطلب بیش از پیش به چشم می آید. قرمزها که به دلیل مسائل سیاسی نمی توانند از حضور پر شور تماشاگرانشان بهره مند شوند، باید در مستطیل سبز مقابل نماینده عربستان بجنگند. اتفاقی که اگر منجر به حذف پرسپولیس به خاطر گل زده کمتر در خانه حریف شود، می تواند روی بی رحم سیاست، نه فوتبال را، به برانکو و یارانش نشان داده باشد.



چراغ چشمک زن به هافبک های استقلال!

دست منصوریان برای ارنج تیمش «فعلا» بسته است. علیمنصور برای فرستادن نفراتش به زمین هنوز آن تنوع لازم را در اختیار ندارد و نمی تواند با ترکیب های مختلفی که همیشه مدنظرش بوده است، یک استقلال شناور را به لیگ معرفی کند. روزبه چشمی و امید نورافکن، گرچه هر دو جوان و کارآمد هستند اما هنوز برای قرار گرفتن پشت سر چپاروف و شجاعیان، سایه ای برای رقابت روی سرشان حس نمی کنند. بیت سعید جلو بازی می کند، جباری هنوز به آمادگی صد در صدی نرسیده است، اسماعیلی و باقری شرایط بازی ندارند، محسن کریمی تا نیم فصل بیرون است و یعقوب هم به گوشه ها تبعید شده است. نتیجه همه این ها آزادی بیشتر و فراغ بال هافبک دفاعی های جوان منصوریان در پنج هفته ابتدایی لیگ بوده است. پدیده ای که احتمالا بعد از پایان تعطیلی مسابقات شاهد آن نخواهیم بود و با آغاز هفته ششم و به نوعی استارت آمادگی سرخابی ها برای دربی، باید منتظر یک ترافیک سنگین برای کمر بند میانی آبی پوشان باشیم....

از بحران بلوغ تا چهل سالگی

چهل سالگی شاید ما را یاد آن فیلمی بیندازد که تقابل استاد انتظامی با فروتن، آن را برای هر فیلم بازی جذاب کرده بود. چهل سالگی اما به نظر می رسد یک بحران عجیب را هم در دل خود می پروراند. بحرانی که جلب توجه را به یک نیاز جدی تبدیل می کند چیزی شبیه به سانس بلوار؛ همان قدر غم انگیز و تمام کننده. کارهای این روزهای میناوند چیزی شبیه به همین قضیه است. مهر داد هیچ گاه نتوانست در قامت یک اسطوره ظاهر شود. کیفیت فنی، کاریزمای اخلاقی و رزومه خالی او در مربی گری نشان داده است میناوند باید جور دیگری خود را باز یابد، خصوصاً وقتی مجبور شد برای مدتی دور از چشم ها باشد.

اخلاق خصوصی میناوند هر چه باشد شخصی است، اما اخلاق مجازی میناوند که صفحه ای از پرونده حرفه ای او می شود، به هیچ عنوان پسندیده نیست. میناوند ظاهر یک مرد چهل ساله را دارد اما در اینستاگرامش تا حد یک نوجوان پانزده ساله پایین می آید و از به کار بردن هیچ لفظی ابا ندارد. رویه این روزهای هافبک پرسپولیس، جز عصبانیت آبی ها، اسطوره ای چون پروین را هم به ستوه آورده است.

دلایل شخصی و نظر هر کس محترم شمرده می شوند، اما روزی که خط قرمز نادیده گرفته شوند و کار به توهین بکشد، هیچ منطقی نمی تواند توجیه کننده باشد. شاید بهتر باشد میناوند هم برای بیشتر مطرح شدن، نگاه دوباره ای به ادبیاتش داشته باشد و با واژه های سطح پایین، دوستی های قدیمی را بی حرمت نکند!

